



# تداعی معانی

## تجربه‌ای در کلاس انشا

سهیلا صلاحی اصفهانی  
کارشناس ارشد زبان‌شناسی

### چکیده

سختی موضوع از سوی دیگر دم می‌زنند. تجربه‌شخصی نگارنده حاکی از آن است که استفاده از روش «تداعی معانی» می‌تواند این نامیدان معترض را به نوشتن علاقه‌مند کند و به آنان یاری رساند تا متون زیبا و درخور توجهی را بیافرینند.

**کلیدواژه‌ها:** تداعی معانی، مجاورت، مشابهت، تضاد.

وقتی معلم دانش‌آموزان را به نوشتن فرا می‌خواند، اغلب با عکس‌العمل‌های متفاوت آن‌ها مواجه می‌شود. عده‌ای با خرسندی موضوع را می‌پسندند، دست به قلم می‌گیرند و مشغول نوشتن می‌شوند. بعضی چند ثانیه‌ای متفکرانه سکوت می‌کنند و بالاخره به موضوع مطرح شده رضایت می‌دهند و با احتیاط شروع به نوشتن می‌کنند.

در این میان، چند نفر هم با یأس و دلخوری اعتراض می‌کنند و از ناتوانی خود از یک‌سو و

## مقدمه

هر واژه‌ای برای خود استقلال و مفهوم مستقل دارد و ممکن است وقتی به دنبال کلمات دیگر می‌آید، در معنی آن‌ها و به عبارت دیگر در رنگ آن‌ها (یا غلظت و رقت آن‌ها) تغییر ایجاد کند. یعنی رنگ و معنی یک کلمه بر کلمه دیگر، طوری اثر کند که وقتی ما آن کلمه را می‌شنویم، به یاد کلمه دیگر بیفتیم.<sup>۱</sup>

معنای تداعی<sup>۲</sup> یک کلمه یا عبارت است از مجموعه همه معنایی که یک شخص موقع شنیدن آن کلمه به ذهنش می‌رسد.

در آزمون‌های تداعی معنایی معمولاً واژه‌ای را به‌عنوان انگیزش<sup>۳</sup> به یک فرد می‌دهند و سپس از او می‌خواهند فهرستی از همه چیزهایی که درباره آن فکر می‌کنند، به‌عنوان پاسخ<sup>۴</sup> تهیه کند.

پاسخ‌ها ممکن است به شکل‌های مختلف با واژه در ارتباط باشند؛ مثلاً وقتی شخصی واژه «میز» را می‌شنود، ممکن است واژه «غذا» نیز به ذهن او متبادر گردد؛ چون «غذا» همواره نزدیک یا روی «میز» است. این نوع تداعی را «تداعی از راه مجاورت» می‌نامند.

هرگاه کسی واژه «محزون» را بشنود، ممکن است به یاد «افسرده» بیفتد؛ چون معنای مشابهی با آن دارد. این عمل را «تداعی از راه مشابهت» گویند.

هرگاه کسی واژه شاد را بشنود، ممکن است به یاد واژه «غمگین» بیفتد؛ چون دارای معنای متضاد با آن است. این عمل را «تداعی از طریق تضاد» خوانند.<sup>۵</sup>

## تداعی معانی، آغازی برای نوشتن

وقتی در کلاس از بچه‌ها خواستم که انشایی با موضوع «بهشت زیباست» بنویسند، چند نفر با لحنی شکوه‌آمیز اظهار داشتند که از عهده چنین کاری بر نمی‌آیند.

از آنان خواستم که اگر نمی‌توانند انشا بنویسند، فقط مجموعه واژگانی را که با شنیدن نام «بهشت» به ذهنشان می‌آید، برایم فهرست کنند و آن‌ها را در دفتر انشای خود زیر هم بنویسند؛ حتی اگر ارتباط مستقیمی هم با موضوع بهشت نداشته باشند.

در ادامه با واژگانی از این قبیل مواجه شدم: پله، درجه، سیب، گندم، گل محمدی، خدا، فرشته، سیاه، سفید، فردوس، شهیدان، چشمه،

ابوالفضل، زلزله، قبر، جهنم، جنت، شیر، عسل، میوه، برابری، اعضای بدن، پدر، مادر، پرنده، قرآن، نهج البلاغه، پل صراط، کمک به فقرا، آب، حوری، عزرائیل، امام زمان، طبقه، ساعت، شهید بهشتی، همسر، لباس سفید، آتش، یادگاری، پیامبران، ماشین، فرش، آسایش، رفاه، سرسبزی، سلامتی، کار خوب، صداقت، پاک، سبزه، رودخانه، آدم، حوا، دعا، خوردنی، بهشت‌زهرا، آرزو، کلید، باغ، حرام، حلال، آبشار، صحبت کردن، طلا، نقره، فرزندان، دروغ، نهر، ابر، مرگ، بال، قصر یاقوت، دینی، اردیبهشت، حضرت فاطمه(س)، گل لاله، بوستان، رانده شدن، شیطان، لباس‌های زیبا، حدیث، درس، استخاره، پنج‌تن، جذاب، عمه پدرم، خرما، دیوار، میوه‌خمس، روزه، نماز، آدم‌های جورواجور، روسری، حال خوب، شاخه، شهادت، ...

سپس از بچه‌ها خواستم که جلوی واژگان نوشته شده دو ستون رسم کنند. بالای ستون اول بنویسند «ارتباط مستقیم» و بالای ستون بعدی نیز بنویسند «ارتباط غیرمستقیم».

آنگاه مشخص کنند که ارتباط معنایی هر واژه با بهشت، مستقیم است یا غیرمستقیم و در ستون مربوط علامت بزنند. هر یک از دانش‌آموزان می‌بایست بنا به تمیز و تشخیص خود این دو دسته را از یکدیگر تفکیک کند.

در مرحله بعدی، واژگان مستقیم مورد بررسی قرار گرفتند و بنا شد که مشخص شود ارتباط این واژگان با بهشت ارتباط مجاورت است یا مشابهت و یا تضاد.

به این ترتیب، دانش‌آموزان در مورد حوزه معنایی هر واژه اندیشیدند.

در مرحله پایانی، بچه‌ها با توجه به مؤلفه‌های معنایی هر یک از واژگان (مؤلفه‌های اصلی که در تعریف واژه می‌آید)، آن‌ها را در جمله‌های مناسب قرار دادند. آنگاه به کمک عوامل انسجام‌بخشی سه‌گانه (واژگان، دستور، معنا)<sup>۶</sup> با پیوند زدن این جملات به هم توانستند متن زیبایی تولید کنند. جالب توجه اینکه در جلسات بعدی، دانش‌آموزان به جای اعتراض به موضوع و گله از سختی نوشتن، بلافاصله شروع به بازی با کلمات و واژگان متداعی به ذهنشان در خصوص موضوع کردند و من می‌دیدم. باورش‌شان شده‌است که می‌توانند بنویسند.

## استفاده از روش «تداعی معانی» می‌تواند این ناامیدان معترض را به نوشتن علاقه‌مند کند و به آنان یاری رساند تا متون زیبا و درخور توجهی را بیافرینند



- منابع**
۱. ساغر واتیان، سیدجلال؛ فرهنگ اصطلاحات زبان‌شناسی، نشر نما، چاپ اول، ۱۳۶۹.
  ۲. ریچارد، جک و دیگران؛ فرهنگ توضیحی زبان‌شناسی کاربردی لانگمن، ترجمه حسین ونوقی و سیداکبر میرحسینی، مرکز ترجمه و نشر کتاب، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
  ۳. لطفی پورساعدی، کاظم؛ «درآمدی به سخن کاوی»، مجله زبان‌شناسی، سال نهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۷۱.